

دانه باشیم، نه سیب

مجموعه پیام‌هایی پیرامون:

عشق، کار، زندگی

نویسنده و گردآورنده:

شادروان مجتبی کاشانی

کاشانی، مجتبی. ۱۳۲۷-۱۳۸۳.

دانه باشیم، نه سبب: مجموعه پیام‌هایی بیرامون: عشق، کار، زندگی / نویسنده و

گردآورنده مجتبی کاشانی.

تهران: فرهنگ صبا، ۱۳۸۶.

۱۵۹ ص: جدول، عکس

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: ۶-۲۲-۲۹۳۵-۹۶۴-۹۷۸

فیفا.

چاپ قبلی: دستان، ۱۳۸۴.

چاپ سوم.

موضوع: خودسازی / راه و رسم زندگی / کسب و کار / عشق / شعر فارسی -- قرن ۱۴.

۱۵۸/۱

۱۳۸۶ کی‌خ/۹۶۳۷/BF

۱۱۶۲۳۴۶

شماره کتاب‌شناسی ملی



■ ناشر: نشر فرهنگ صبا

■ دانه باشیم، نه سبب

■ نویسنده و گردآورنده: مجتبی کاشانی

■ چاپ سوم: ۱۳۸۶ ■ شمارگان: ۵۰۰۰

■ چاپ: اکسیر

■ شابک: ۶-۲۲-۲۹۳۵-۹۶۴-۹۷۸

■ قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شرکت الکتروکوییر: میرداماد، نبش بزرگراه مدرس، شماره ۲۴۶، تلفن: ۸۸۷۷۵۹۵۸

سعادت‌آباد، خیابان علامه طباطبائی شمالی، خ ۱۸ غربی، پلاک ۶۰، تلفن: ۲۲۰۷۲۸۰۴

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۹	مقدمه مؤلف
۱۳	وصیت‌نامه
۲۳	بخش اول: باورهای زنگ زده - اندیشه‌های منجمد
۳۷	عشق
۴۹	عقل و عشق
۵۳	پیام‌های عمومی پیرامون عشق و زندگی
۵۶	کار
۶۰	پیام‌هایی برای اهل کار
۷۴	اندیشه‌های کارآفرینان - اندیشه و فلسفه ماتسوشیتا
۷۷	توصیه‌هایی برای مدیریت موفق آرمان‌ها، بر مبنای فلسفه
۷۹	در باب مشتری‌مداری (از سوی ماتسوشیتا)
۸۳	راهنمای مدیریت موفق در محیط کار ایران
۹۲	دهش و بخشش
۱۰۵	باورهای انیشتاین
۱۰۸	چگونه نوبل، نوبل شد
	بخش دوم: هفت شهر عشق، کیمیاگر، بیادریا شویم، راز شاد زیستن، سیری در
	کمال فردی، توانگران چگونه می‌اندیشند، موفقیت‌های کلیدی، راهنمای دل، هوش
۱۱۰	عاطفی در مدیریت

دانه باشیم، نه سیب

در میان هر سیب

دانه محدودی ست

در دل هر دانه، سیب‌ها نامحدود

چیستانی ست عجیب

دانه باشیم، نه سیب

از کتاب: به همین آسانی

مجیدی کاشانی

سفر دل

من با سخنم به دل سفر خواهم کرد
از سایه لطف دل گذر خواهم کرد
احساس لطیف و گرده افشان ترا
از گرده گل لطیف تر خواهم کرد

از کتاب: به آیندگان

مجیدی کاشانی

پیش‌گفتار

رشد و توسعه‌ی سریع صنایع جهان از قرن هیجدهم به بعد، وقوع اختراعات، اکتشافات و تکامل آن‌ها با تکنولوژی و فناوری‌های پیچیده، موجب ایجاد روش‌ها و الگوهای مختلف، در امر مدیریت و مدیریت کیفیت گردید.

با توجه به این واقعیت که فعالیت‌های مدیریتی نهایتاً به انسان به عنوان عنصر کار وابسته و مرتبط می‌باشد، زنده یاد دکتر مجتبی کاشانی سال‌ها به مطالعه، ممارست، تحقیق و تفحص دقیق در روش‌ها، الگوها و سیستم‌های مدیریتی متداول در خارج و داخل ایران پرداخت و نهایتاً به این باور رسید، که برای رهائی روح لطیف و فرشته خصلت انسانی از درگیری در هیاهوی ماشین، خشونت، آهن، مواد و خطرات ناشی از امتزاج گازها و مایعات در مراحل مختلف تولید و واماندگی و خشکی ناشی از تلاش معاش، عصبان حاصل از جاه‌طلبی‌های مادی و از دست دادن نقش مؤثر خود در باروری کیفی که می‌بایستی با ذوق و لطافت انسانی همراه باشد، باید روح و روان او را از خشکی نجات بخشید و با زمزمه‌ی شعر، عشق، معرفت، واقعیت حکمت زندگی و اهمیت کیفی محصولی را که تولید آن در جهت رفاه وی و بالا رفتن رشد اقتصادی و اجتماعی خواهد بود

یادآور شد. لذا بر این اعتقاد بود که جهت اغناء مدیران و کارکنان، از عاری بودن محیط تولید و صنعت از خشکی و خشونت، می‌توان با بهره‌گیری از خصوصیات و عواطف والای انسانی، عشق ورزیدن، دوست داشتن، تکریم، فروتنی، یگانگی، همدلی، تعاون بهره‌گیری از اعتقادات دینی، همراه با هنر، شعر، ادب فارسی و تلطیف روح انسانی با روحیه‌ی عارفانه ضمن دلبذیر کردن محیط، مسائل کیفی و مدیریتی را سهل‌تر و مؤثرتر مطرح و اعمال نمود. به همین جهت دیدگاه و الگوی جدید و نوئی را به روی مدیران پرتلاش کشور می‌گشاید. جهت اشاعه‌ی این باورها و نظریات که حاصل تفحصات آزمایش و تجربه شده وی بود، با حضور و سخنرانی در مجامع مختلف صنعتی کشور و تدوین و نشر آن‌ها با بیان موزون و عارفانه در قالب اشعار در چندین کتاب (از گاراژ تا کلینیک، نقش دل در مدیریت، عشق‌بازی به همین آسانی ست، باران عشق، به آیندگان، روزنه، پل، خویش را باور کن و از خواف تا ایبانه) الگوی جدیدی را به مدیران و علاقمندان تعالی و ترقی صنعت و اقتصاد ایران ارائه و تقدیم نمود.

کتابی که هم اینک در دست مطالعه دارید تحت عنوان «دانه باشیم نه سیب» نمونه‌ای از تلاش خستگی‌ناپذیر این محقق، عارف و شاعر بزرگوار ایرانی در تلفیق شعر و ادب و عارفان فارسی در چمبیره‌ی هیاهوها و تلاش‌های صنعتی روز جهان به عنوان الگوی تأثیرگذار ارتباطی و رفتاری «سالک»^۱ بر مدیریت کیفیت روز ایران می‌باشد. روحش همیشه شاد و یادش بخیر.

مشتاقان ارتقاء کیفی صنایع ایران در شرکت الکتروکویر

۱- «سالک» تخلص زنده یاد دکتر مجتبی کاشانی در اشعار و سروده‌های وی می‌باشد.

مقدمه مؤلف

مدّتی را سرگرم همکاری مشاوره‌ای افتخاری با یک سازمان نیکوکاری (N.G.O) معتبر در کشور شدم که از نظر سابقه، بزرگی و گستردگی خدمت در نوع خود در کشور و در منطقه کم‌نظیر است و توانسته با اثبات خدمتگزاری و جلب اعتماد مردم داخل و خارج از کشور شعبه‌های جذب کمک در چند نقطه‌ی معتبر جهان را داشته باشد.

اولین موضوع مورد تقاضای بنیانگذاران این سازمان تهیه‌ی پیام‌های امروزی و جدید دیجیتال بود که ضمن آن‌که جاذبه‌های معنایی و معرفت پیام‌های سنتی را داشته باشد به لحاظ گویش ادبی و ترکیب واژه‌ها هم جدید باشد، به طوری که مورد پذیرش و جذب نسل جدید نیز قرار گیرد. مدیریت سازمان توضیح دادند که چهار نوع پیام‌گیرنده مورد نظر آنان است:

۱- رهگذرانی که از بلواری که این مؤسسه در آنست و از روبروی آن عبور می‌کنند.

۲- نیکوکارانی که از این مرکز بازدید می‌کنند و یا داوطلبانی که خدمات حضوری به مددجویان این مرکز ارائه می‌کنند.

۳- مددجویانی که در آنجا گرد آمده‌اند و به مناسبت نوعی محرومیت

۳- مددجویانی که در آنجا گرد آمده‌اند و به مناسبت نوعی محرومیت و معلولیت در آنجا زندگی می‌کنند.

۴- مدیران و کارکنانی که با قرارداد کار و دریافت حقوق و مزایا این سازمان را اداره می‌کنند و به اهالی این مرکز انواع خدمات مدیریتی، پشتیبانی، بهداشتی، درمانی، فرهنگی اجتماعی، مالی و اداری ارائه می‌کنند.

این مهم ظرف مدت کوتاهی انجام شد و به فهرستی فراتر از نیازها و مکان‌های مورد نظر رسیدیم، اما موضوع دیگری که فراتر از نیاز و تقاضای بنیانگذاران و مدیران این مؤسسه برای این مشاور افتخاری، مهم و حیاتی شده بود، موضوع کارکنان و پیام‌های مورد نیاز آنان بود. زیرا با اندوه فراوان دریافتم که وقتی تقدس کار از فرهنگ جامعه‌ای رخت برمی‌بندد و می‌گریزد دیگر تفاوت نمی‌کند که تو در رعایت فرهنگ کار، وجدان کار، بهره‌وری و کیفیت در یک کارخانه اتومبیل‌سازی کار کنی یا در یک شرکت صنایع غذایی و دارویی، لوازم خانگی و صنایع نظامی یا یک سازمان و مؤسسه‌ی خیریه. بنابراین اولین اولویت کار را در تهیه‌ی پیام‌هایی در این زمینه برای کارکنان دیدم اما ترجیح دادم که قبل از انتشار این پیام‌ها و نصب آن بر در و دیوار برای حدود ۹۰۰ همکار در این سازمان در جلسات عمومی درباره‌ی عشق در کار و تقدس کار سخن بگویم. زیرا به تجربه دریافته‌ام که هیچ پدیده‌ای در سازمان غم‌انگیزتر از این نیست که کارکنان، تنها برای مزد و به اندازه‌ی مزد و بدون عشق و انگیزه کار کنند.

استقبال و تأثیر مثبت کاربرد این پیام‌ها در این مؤسسه را چندی بعد در دو مقاله، یکی با نام «در عمل باید عشق ورزیدن» و دیگری با نام «باورهای زنگ‌زده، اندیشه‌های منجمد» انتشار یافت که در آن به

انتشار لیست‌هایی از پیام‌ها اقدام شده بود. استفاده از این دو مقاله با ذکر مأخذ اصلی در چند مجله‌ی سازمانی و صنعتی دیگر از جمله «پرواز» هواپیمایی آسمان و نیز شرکت ایران خودرو مرا تشویق کرد که به انتشار مجموعه موضوعی این پیام‌ها در کتابی مستقل بپردازم که خوشبختانه این کتاب هم‌اکنون پیش روی شماست که مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنچه کوشیده‌ام این بوده است که موضوعات اصلی مثل عشق، کار، بخشندگی، امیدبخشی و زندگی از دیدگاه اندیشمندان و بزرگان فلسفه و حکمت معاصر جهان به زبانی ساده، شیرین و امروزی مطرح گردد که امیدوارم توانسته باشم شما خواننده‌ی عزیز خود را که بیشتر از جنس علم و عشق و سازمان و مدیریت هستید، راضی کنم.

نکته قابل توضیح این‌که ممکن است شما در طول مطالعه به یک پیام دوبار برخورد کنید که احتمالاً می‌تواند با موضوع دو لیست پیام، خوانایی و مفیدیت داشته باشد.

توضیح ضروری دیگر این‌که خوشبختانه چون به عنوان تبرک از موضوعات یاد شده در کتاب پیامبر، نوشته جبران خلیل جبران، ترجمه آقای دکتر الهی قمشه‌ای چند صفحه مطلب جذاب و فشرده وجود داشت که اکثر این سرفصل‌ها به مطالبی از این کتاب متبرک و مزین شده است و در هر فصلی شعری کوتاه و پیام‌گونه‌ای از نویسنده‌ی کتاب نیز آورده شده است.

تقدیم به همسر:

در حضور تو آن دم جای جسم جان دیدم
در میان چشمانت من دو آسمان دیدم
شاخه حضور تو پر شکوفه ظاهر شد
لحظه‌ای تو را حتی جای ارغوان دیدم
در خیال من بودی، در خیال من هستی
آن چنان که می‌دانی من تو را چنان دیدم
سایه حضور تو می‌کند عبور از من
من تو را به نزد خود سقف و سایبان دیدم

مجتبی کاشانی